

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۸، ۲۸۹-۳۰۳

نقد و بررسی کتاب

المنهج النفسي في النقد الحديث؛ النقاد المصريون نموذجاً

زینہ عرفت پور*

چکیده

کتاب *المنهج النفسي في النقد الحديث؛ النقاد المصريون نموذجاً*، نوشته موسی عبدالرحمن بسام قطوس، تلاشی است در جهت بررسی پیدایش یکی از شیوه‌های نقد ادبی نوین در مصر یعنی شیوه روان‌شناختی که به‌منزله یکی از شیوه‌های نقدی، چه در سطح نظری و چه در سطح تطبیقی، اهمیت خاصی دارد. این کتاب از آن دسته کتاب‌هایی است که به دلیل محتوای مناسب و مطالب مفید در زمینه نقد روان‌شناختی به‌منظور بررسی و نقد انتخاب شد. در این جستار کوتاه، برآنیم که به‌روش توصیفی - تحلیلی این اثر را از لحاظ ظاهری و محتوایی بررسی کنیم و برجستگی‌ها و نارسایی‌های آن را یادآور شویم تا از ره‌گذر این نقد و بررسی، علاقه‌مندان حوزه نقد روان‌شناختی به‌نوعی با خلأهای این حوزه آشنا شوند و در جهت تقویت این رویکرد نقدی بیش از پیش بکوشند. در مجموع، با بررسی این کتاب به این نتیجه رسیدیم که کتاب در بیان مطالب نظری مربوط به نقد روان‌شناختی و ارائه کلیات لازم درباره انواع موضع‌گیری‌های ناقدان مصری در برابر نقد روان‌شناختی و بررسی و نقد سه‌مرحله‌ای سه کتاب در زمینه نقد روان‌شناختی تاحدی موفق بوده است، گرچه خالی از اشکال و نواقص نیست.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، *المنهج النفسي في النقد الحديث*، بسام قطوس، نقد روان‌شناختی.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، z.erfatpor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

Copyright © ۲۰۱۸, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution ۴.۰ International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

نقد روان‌شناختی از شیوه‌های نقد ادبی است که در روند پیش‌رفت تاریخی شیوه‌های نقد معاصر به‌منزله یکی از حلقه‌های چالشی این شیوه‌ها نقش ایفا می‌کند. نقد روان‌شناختی در ساده‌ترین تعریف آن نقدی است که به زمینه‌های روانی متن اهتمام می‌ورزد و سعی می‌کند از دستاوردهای علم روان‌شناختی در تفسیر اثر ادبی بهره گیرد تا به انگیزه‌های پنهان در ضمیر ناخودآگاه خالق اثر دست یازد.

توجه روان‌کاوی به ادبیات و هنر و سپس به نقد هنری تحت‌تأثیر نظریه‌ها و برداشت‌های فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹م)، به‌رغم دامن‌زدن به یک‌سری مناقشات طولانی، تحول عمیقی را نیز در پی داشت که عرصه نقد را به‌کلی دگرگون کرد. این ارتباط میان روان‌کاوی و هنر از اصلی‌ترین جریان‌های نقد هنری و ادبی طی یک قرن اخیر به‌شمار می‌آید. در واقع، می‌توان نظریه فروید درباره هنر را به این صورت خلاصه کرد که انسان انگیزه‌ها و تمایلاتی دارد که به‌دلیل محدودیت‌های اجتماعی قادر به برآورده کردن آن‌ها نیست و به‌ناچار درون او نهفته می‌ماند:

اما چشم‌پوشی از این انگیزه‌ها و تمایلات، اعم از جنسی و غیرجنسی، بسیار دشوار است؛ به همین خاطر، انسان می‌کوشد این لذت‌ها را که در زندگی واقعی از آن‌ها بی‌بهره بوده، از راه خیال تجربه کند... در نظریه فروید پیوند نزدیکی میان خیال‌بافی و هنرمند وجود دارد (موران ۱۳۸۹: ۱۷۶).

بدین ترتیب است که یک نویسنده هنرمند تحقق خواسته‌های خود را در فضای عالم خیال از ره‌گذر نوشتن فراهم می‌آورد و این امکان را به خوانندگان می‌دهد که در لذت خیال‌پردازی‌های خود شریک شوند. گفتنی است که اهمیت این نظریه، به‌ویژه از منظر ادبی، در این بود که از نظر فروید و شاگردانش اثر ادبی و هنری نوعی بیماری روانی به‌شمار می‌آمد.

از این رو، مجموعه آثار شاعران و نویسندگان را اینان به‌منزله گزارش و یادداشت‌های بالینی بیماران محسوب می‌کردند و تفاوت شیوه‌شان را در انتخاب الفاظ، انتخاب رمزها، تداعی مناظر، و توصیف خلق‌وخوی اشخاص داستان‌ها همواره نشانه‌هایی از احوال روانی آن‌ها به‌شمار می‌آوردند (زرین‌کوب ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۸۸).

فروید با الهام‌گرفتن از برخی مضامین و اسطوره‌های ادبی هم‌چون ادیپ کوشید تا معروف‌ترین نظریه خود را با عنوان «نظریه تکوین هویت جنسی» براساس عقده‌هایی هم‌چون عقده ادیپ، عقده الکتر، و عقده اختگی مطرح کند (بنگرید به آریان‌پور ۱۳۵۷: ۱۳۶-۱۴۶).

طبق نظریه عقده ادیپ، رشد جنسی پسر با دختر فرق دارد، گرچه هر دو با کشش به سوی مادر شروع می‌شود، مادری که برایشان نخستین ابژه محبوب و نماد قدرت مطلق و قادر به برآوردن نیازهای کودک است. سرانجام، کودک پسر برای تصاحب مادر، پدر را تدریجاً رقیب جنسی خود محسوب می‌کند، اما بدین دلیل که کودکی بیش نیست و نسبتاً ناتوان است، می‌ترسد که به دلیل آرزوهای نامعقولش توسط وی عقیم شود، پس آرزوهایش را سرکوب می‌کند و در سن بلوغ به زنان دیگر انتقال می‌دهد (گرین و لیبهان ۱۳۸۳: ۲۳۱-۲۳۲).

اما دختر بچه‌ها در طول رشد خود به این نتیجه می‌رسند که آنان از قبل اخته شده‌اند و نوعی کمبود و حقارت در خود احساس می‌کنند که به ایجاد عقده الکترا در آنان منجر می‌شود.

فروید دریافته بود که بیمار روانی ناخودآگاه گاهی به جای واژه ای از واژه دیگر استفاده می‌کند و در ادبیات نیز همین‌طور است؛ یعنی نویسنده و شاعر معمولاً به صورت ناخودآگاه به جای یک واژه دیگر به کار می‌برند، این نخستین فرض اصلی فروید بود. اما دومین فرض فروید، که بسیاری از متخصصان روان‌شناسی از جمله یونگ و آدلر آن را رد کرده‌اند، این است که انگیزه و نیروی محرک کل رفتارهای انسان در نهایت همان چیزی است که غریزه جنسی نامیده می‌شود. سومین فرض او این است که تابوهای اجتماعی قدرت‌مندی که به برخی از تمایلات جنسی وجود دارند، بسیاری از امیال و خاطرات ما را سرکوب می‌کنند (بنگرید به گورین و دیگران ۱۳۷۶: ۱۴۲).

از جمله مخالفان فروید در طرح بعضی از موضوعات بالا شاگرد او، کارل گوستاو یونگ، است که با دو فرضیه فروید درباره این‌که میل جنسی منشأ تمام فعالیت‌های انسان است و این‌که هنرمند به نوعی بیمار روان‌پریش است، مخالفت کرد و نظریات خود را ارائه کرد:

یونگ بر این عقیده است که سرچشمه هنر همان نفس والاست که تمام چیزهای والا و اخلاقی را در زندگی انسان دربر می‌گیرد و این‌که این نفس والامرتبه از نفس انسان جداست و با بعد دیگر و دون مرتبه نفس - که یونگ آن را نفس پایین مرتبه می‌نامد، ارتباطی ندارد (حسین ۲۰۰۷: ۱۸).

بنابراین، وی دیدگاه فروید مبنی بر سرچشمه گرفتن هنر از انگیزه‌های جنسی را کاملاً انکار می‌کند. یونگ اصطلاحات مهمی چون ناخودآگاه جمعی، درون‌گرایی، برون‌گرایی، و

کهن‌الگوها (آرکی‌تایپ) را مطرح می‌کند. در واقع، یونگ تجربه‌های اجدادی در ناخودآگاه جمعی را، که به شکل تصاویری در رؤیایها و خیال‌پردازی‌های ما ظاهر می‌شوند، کهن‌الگو می‌نامد (شولتز ۱۳۸۳: ۱۱۴). «بعضی از کهن‌الگوها که یونگ بدان‌ها علاقه داشت، عبارت‌اند از کهن‌الگوی جادو، قهرمان، ستاره، خویشتن، مادر، کودک، خدا، مرگ، قدرت و پیر خردمند» (همان: ۱۱۴-۱۱۵).

آلفرد آدلر، بنیان‌گذار مکتب روان‌شناسی فردی، با استاد خود، فروید، در این موضوع اختلاف دارد که «غریزه جنسی تنها دلیل بروز عقده‌های روانی و سرچشمه اصلی هنر باشد، و بر این باور است که احساس کمبود دلیل اصلی بروز عقده‌های روانی و سرچشمه اساسی هنر همان غریزه خودنمایی یا قدرت‌طلبی یا مالکیت‌طلبی است» (مختاری ۱۹۹۸: ۱۴).

ناقدان معاصر عرب نیز تحت‌تأثیر مکاتب روان‌شناسی غربی قرار گرفتند و به رویکرد روان‌شناختی در ادبیات و نقد عربی توجه کردند. «نویسندگان رومان‌تیک و پیروان مکتب نئوکلاسیک در آرای فروید و یونگ میدانی گسترده برای کوشش‌های نقدی خود یافتند و توانستند مفاهیم و اصولی را که به وسیله این شخصیت‌ها ارائه شده بود در مباحث نقدی خود وارد کنند» (رجائی ۱۳۷۸: ۱۹۲). ناقدانی مانند محمد خلف احمد، محمد مندور، عباس محمود عقاد، نویهی، و عزالدین اسماعیل هریک به فراخور دانش روان‌شناختی خود کتاب‌هایی نقدی با رویکرد روان‌شناسانه نگاشتند که به نوعی باعث شدند تاحدی این نوع رویکرد نقدی در نقد نوین عرب جای خود را پیدا کند.

به‌رحال بسام قطوس در کتاب *المنهج النفسي في النقد الأدبي الحديث: النقاد المصريون نموذجاً* با استفاده از پیشینه مکاتب نقد روان‌شناختی غربی و آثاری که ناقدان مصری در زمینه نقد روان‌شناختی از خود به‌جای نهادند، توانست کتابی تألیف کند که هم‌دربرگیرنده مکاتب روان‌شناسی غربی باشد و هم جریان نقد روان‌شناختی در مصر را طی چند دهه بررسی و تحلیل کند. بنابراین، این اثر به‌منزله کتابی مناسب در زمینه نقد روان‌شناختی درخور آن است که از جهت‌های گوناگون نقد و بررسی شود، البته پیش از نقد و بررسی کتاب مختصراً مشخصات آن و نویسنده‌اش را معرفی می‌کنیم.

۲. معرفی نویسنده کتاب

بسام موسی عبدالرحمن قطوس در سال ۱۹۵۶م در شهر عرّابه فلسطین واقع در استان جنین به دنیا آمد. وی در دانشگاه اردن در رشته زبان و ادبیات عربی تحصیل کرد و مدرک

کارشناسی را در سال ۱۹۷۹م، مدرک کارشناسی ارشد را در سال ۱۹۸۴م، و دکترای خود را در سال ۱۹۸۸م کسب کرد. وی مدتی در سمت استاد نقد نوین در گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کویت حضور داشت و هم‌اکنون استاد دانشگاه الیرموک اردن است. گفتنی است که به‌جز کتابی که اکنون در صدد نقد و بررسی آن‌ایم، این نقاد آثار دیگری در حوزه ادبیات و نقد دارد که بدین قرارند:

- المنهج النفسی عند النقاد المصریین المعاصرین (د.ن)، (د.م)، ۱۹۸۴؛
- وحدة القصيدة فی النقد العربی الحديث (د.م)، ۱۹۸۸؛
- استراتيجیات القراءة، التّأسیل والإجراء النقدي، مؤسسة حمادة و دار الکندی، إربد، ۱۹۹۸؛
- مقاربات نصیة فی الأدب الفلسطینی الحديث، دار الشروق، عمّان، ۲۰۰۰؛
- سیمیاة العنوان، قراءة فی المنجز الشعری والمتخیل والسردی، دراسة، وزارة الثقافة، عمّان، ۲۰۰۱؛
- تمّنع النصّ متعة التلقی، اللجنة الوطنية العلیا لإعلان عمّان عاصمة للثقافة العربیة ودار أزمنة، عمّان، ۲۰۰۲؛
- دلیل النظریة النقدیة المعاصرة: مناهج وتيارات، مكتبة دار العروبة، الكويت، ۲۰۰۴؛
- الإبداع الشعری وكسر المعیار، رؤی نقدیة، لجنة التألیف والتعریب، الصفاة، الكويت، ۲۰۰۵؛
- المدخل إلى مناهج النقد المعاصر، دار الوفاء، الإسكندریة، ۲۰۰۶؛
- عتبة التأویل وعتمة التشکیل، وزارة الثقافة، عمّان، ۲۰۱۱ (بنگريد به www.culture.gov)؛

۳. معرفی و توصیف کتاب

۱,۳ مشخصات شناسنامه‌ای

کتاب المنهج النفسی فی النقد الحديث؛ النقاد المصریون نموذجاً، که چاپ اول آن در سال ۲۰۰۴م در کویت با همکاری انتشارات مجلس النشر العلمی و انتشارات لجنة التألیف والتعریب والنشر چاپ و منتشر شده، در یک جلد ۱۹۶ صفحه‌ای تنظیم شده است و از نظر صحافی، قلم، صفحه‌آرایی، و پاراگراف‌بندی مناسب است و طرح روی جلد خاصی ندارد.

۲,۳ ساختار کتاب

این کتاب تلاشی است در جهت بررسی پیدایش یکی از شیوه‌های نقد ادبی معاصر در مصر یعنی شیوه نقد روان‌شناختی، که به‌منزله یکی از شیوه‌های نقدی چه در سطح نظری و چه در سطح تطبیقی، اهمیت خاصی دارد. نگارنده در این کتاب، پس از تبیین سهم روان‌شناسان غربی در پیدایش نقد روان‌شناختی، جایگاه بارزترین افراد در شکل‌گیری این شیوه را تبیین می‌کند. علاوه بر این، تلاش می‌کند دریابد که ناقدان در تطبیق این شیوه نقدی تا چه حد موفق بوده‌اند و آیا می‌توان شیوه روان‌شناختی را به‌منزله یک شیوه نقدی مستقل برگزید. به عبارت دیگر، آیا نقد روان‌شناختی می‌تواند یک اثر ادبی را از تمام ابعاد آن تفسیر کند و دلیل زیبایی و دل‌نشینی یک متن یا علت نازیبایی متنی دیگر را برای ما شرح کند. به عبارتی، آیا این شیوه می‌تواند ضوابط یا اصول معینی برای ارزش‌گذاری متن به ما ارائه دهد؟ و این شیوه تا چه حد می‌تواند در فهم و درک آثار ادبی و نقد آن‌ها به ما کمک کند؟

نگارنده دوره معاصر را برای این پژوهش در نظر گرفته است. در واقع، او ناقدان مصری از سال ۱۹۱۴ م تاکنون را معاصر به‌شمار آورده است، زیرا مطلع رویکرد روان‌شناسانه در نقد ادبی در مصر در سال ۱۹۱۴ م آغاز می‌شود، آن‌گاه به تدریج گسترش می‌یابد و تا زمان حاضر این روند ادامه می‌یابد.

این پژوهش در یک پیش‌گفتار، سه فصل، و یک خاتمه تنظیم شده است. در پیش‌گفتار رویکرد روان‌شناختی و کیفیت راه‌یابی آن به پژوهش‌های ادبی و نقدی در سطح جهان و سپس چگونگی راه‌یابی‌اش به مصر مطالعه می‌شود. آن‌گاه از روان‌شناسان مؤثر در شکل‌گیری نقد روان‌شناختی و پایه‌گذاری آن سخن به میان می‌آید.

نگارنده فصل اول را به ارتباط میان علم روان‌شناسی و ادبیات اختصاص می‌دهد و درباره نوع و میزان این ارتباط و نیز نتایج تعامل میان ادبیات و علم روان‌شناسی سخن می‌راند. سپس، برخی نتایج عملی ناشی از پیوند میان ادبیات و علم روان‌شناسی را واضح ترسیم می‌کند و در نهایت درباب این ارتباط رأی و نظر خاص خود را ارائه می‌دهد.

در فصل دوم با عنوان «علم روان‌شناسی و نقد ادبی در مصر»، نگارنده از راه‌یابی علم روان‌شناسی به عرصه نقد ادبی در مصر سخن به میان می‌آورد و ابعادی از موضع‌گیری‌های ناقدان مصری معاصر را در برابر علم روان‌شناسی روشن می‌کند و آنان را به سه دسته یعنی موافقان، مخالفان، و کسانی که در نقد خود از این علم بهره گرفته‌اند، تقسیم می‌کند. آن‌گاه از رویکردهای ناقدانی سخن به میان می‌آورد که به تطبیق شیوه روان‌شناختی پرداخته‌اند که

عبارت‌اند از رویکرد بهره‌مندی از دانش‌های روان‌شناسی و رویکرد تطبیق شیوه نقد روان‌شناختی و در نهایت هر گروه را زیرمجموعه رویکردی قرار می‌دهد که بر آنان بیش‌تر غلبه داشته است.

در فصل سوم بسام قطوس روش نقدی سه تن از بزرگان نقد روان‌شناختی، یعنی محمد نویهی را در کتاب *نفسیه ابی نواس*، عباس محمود العقاد را در کتاب *ابو نواس*، و عزالدین اسماعیل را در کتاب *التفسیر النفسی للأدب* بررسی می‌کند، البته مطالعه و مناقشه این پژوهش‌ها با استفاده از آرای دیگر ناقدان صورت گرفته است.

۳,۳ ویژگی‌های فنی

این اثر در قطع وزیری تنظیم شده و از نظر پاراگراف‌بندی، نوع قلم، صفحه‌آرایی، و صحافی مناسب است، اما طرح روی جلد خاصی ندارد. در این کتاب پانوشتهای مربوط به هر صفحه در پایان همان صفحه تنظیم شده و فهرست مطالب در پایان کتاب پس از فهرست منابع قرار داده شده است که شاید این روش برای مخاطبان ایرانی قدری نامأنوس و ناآشنا به نظر برسد.

۴,۳ ویرایش ادبی

در این کتاب نگارنده عبارات و جملات روان و رسایی به‌کار برده و قواعد ویرایش و علائم سجاوندی را به‌خوبی رعایت کرده است.

۵,۳ رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی

در این کتاب ارجاعات در پانوشتهای مربوط به هر صفحه آمده است. تنظیم پانوشتهای به‌شیوه قدیمی تنظیم پانوشتهای در پایان‌نامه‌ها صورت گرفته است؛ یعنی در ارجاع نخست به هر کتاب اطلاعات کامل کتاب ذکر می‌شود و در ارجاعات بعدی به ذکر نام مؤلف و نام کتاب و شماره صفحه اکتفا می‌شود، اما درباره تنظیم پانوشتهای اشکالاتی به چشم می‌خورد:

۱. در برخی صفحات در پانوشتهای از اصطلاح «المرجع نفسه» یا «همان» استفاده شده، در صورتی که منبع قبلی در صفحه قبل یا صفحات پیشین ذکر شده است، مانند صفحات ۲۶، ۲۷، ۵۰، ۷۳، ۷۶، ۱۱۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۵۱، و ۱۵۷؛

۲. در برخی صفحات از اصطلاح «المصدر السابق» یا «پیشین» استفاده شده، در صورتی که منبع پیشین در صفحه قبل یا صفحات پیشین ذکر شده است، مانند صفحات: ۲۷، ۴۶، ۴۹، ۷۵، ۸۷، ۹۰، ۱۵۵، ۱۶۰، و ۱۶۱؛

۳. در برخی صفحات در پانوشت به جای اسم مؤلف نام کتاب ذکر شده است، مانند صفحات: ۱۱۸، ۷۷، ۸۰، و ۱۱۵؛

۴. در استفاده از اصطلاح «المصدر نفسه» یا «المرجع نفسه» در پانوشت‌ها به صورت یک‌دست عمل نشده، برای مثال گاهی قبل از این اصطلاح نام مؤلف کتاب نیز ذکر می‌شود، مانند صفحه ۲۶ پانوشت دوم: ستانلی هایمن، المصدر نفسه، ص... و نیز صفحه ۲۷ پانوشت سوم: نهاد التکرلی، المرجع نفسه، ص... و گاه از اصطلاح «نفسه» استفاده می‌شود، مثلاً در همان صفحه ۲۶ پانوشت سوم بدین صورت آمده است: ستانلی هایمن، نفسه، ص...، همچنین در صفحه ۶۷ پانوشت سوم: فروید، المرجع نفسه، ص...؛ یا در صفحه ۱۰۶ پانوشت دوم: انظر: سامی البارودی، المرجع نفسه، ص...؛

۵. درباره کاربرد اصطلاح «المصدر السابق» یا «المرجع السابق» نیز در برخی صفحات همان اشکالات مربوط به کاربرد اصطلاح «المصدر نفسه» به چشم می‌خورد، یعنی گاهی قبل از اصطلاح «المصدر السابق» نام مؤلف ذکر می‌شود؛ مانند صفحه ۸۰ پانوشت سوم: محمد خلف الله احمد، المصدر السابق، ص... و گاهی اصطلاح «السابق» به کار می‌رود، مثلاً در همان صفحه ۸۰ پانوشت چهارم به این صورت ارجاع داده شده است: انظر: ستانلی هایمن، السابق، ص... و قس علی ذلک....

۴. تحلیل و ارزیابی محتوایی کتاب

۱,۴ بررسی ابعاد آموزشی کتاب

از فصل سوم کتاب با عنوان «المنهج النفسي و الممارسة النقدية» می‌توان به منظور بخشی از محتوای درسی نقد ادبی، چه در سطح کارشناسی ارشد و چه در سطح دکتری، بهره برد. به عبارت دیگر، استادان ذیل مباحث مربوط به نقد روان‌شناختی می‌توانند از طریق این کتاب دانشجویان را با ناقدان روان‌شناختی نام‌دار مصر آشنا کنند و از بخش تطبیقی کتاب استفاده کنند و به صورت عملی از شیوه‌های مختلف نقدی ناقدان در نقد متون ادبی بهره گیرند. گفتنی است که این کتاب ابزارهای آموزشی مانند تمرین، نمودار، و جدول ندارد

و البته استادان و دانشجویان در صورت نیاز می‌توانند برای تکمیل مباحث، بنابه ضرورت، از چنین ابزارهایی استفاده کنند.

۲,۴ مسئله‌مندی کتاب

مسئله اصلی در کتاب این است که سه تن از پرچم‌داران نقد روان‌شناختی در مصر معرفی شوند؛ یعنی محمد نویهی از طریق کتاب *نفسیه آبی نواس*، عباس محمود عقاد از طریق کتاب *آبونواس*، و عزالدین اسماعیل از طریق کتاب *التفسیر النفسی لالأدب*. در واقع، نگارنده این پژوهش‌های روان‌شناختی را در سه مرحله نقد می‌کند. در مرحله اول فقط کتاب و ساختار آن را معرفی می‌کند، در مرحله دوم آن را مورد مناقشه قرار می‌دهد، در یک قسمت مجزا با استفاده از آرای ناقدان موافق و مخالف کتاب مورد بحث را تحلیل و بررسی می‌کند.

۳,۴ ارزیابی نظم منطقی بخش‌های کتاب

باتوجه به مطالب و تقسیم‌بندی فصل‌های کتاب، که در مبحث قبلی بدان پرداختیم، فهرست مطالب چیدمانی منطقی دارد. نگارنده پس از آن‌که در پیش‌گفتار درباره نقد روان‌شناختی سهم روان‌شناسان غربی در این نوع نقد و نیز جایگاه نقد روان‌شناختی ناقدان غربی مطالب مختصری به خواننده ارائه می‌دهد، در فصل اول به رابطه روان‌شناسی و ادبیات می‌پردازد، در فصل دوم جایگاه علم روان‌شناسی در نقد ادبی مصر را واکاوی می‌کند و در فصل سوم سه کتاب از سه تن از ناقدان مصری برجسته در حوزه نقد روان‌شناسی بررسی شده است. البته باتوجه به عنوان کتاب، این فصل‌ها از لحاظ حجم صفحاتی که نگارنده به آن‌ها اختصاص داده، می‌تواند مورد اشکال واقع شود؛ زیرا پیش‌گفتار در قالب ۲۰ صفحه، فصل اول در قالب ۴۰ صفحه، فصل دوم در قالب ۳۴ صفحه، و فصل آخر، که در واقع مبحث اصلی کتاب است، در قالب ۴۰ صفحه ارائه شده و سه کتاب نقدی مختصراً مطالعه و خوانش شده‌اند.

۴,۴ میزان استحکام تحلیل‌ها در کتاب

همان‌طور که در قسمت مسئله‌مندی اثر اشاره شد، این اثر در فصل سوم (بنگرید به قطوس ۲۰۰۴: ۱۳۱-۱۷۴)، که فصل اصلی کتاب است، در سه مرحله آثار نقدی مورد بحث را تحلیل و بررسی می‌کند: مرحله اول با عنوان خوانش نخست، مرحله دوم با عنوان نقد نقد،

و مرحله سوم با عنوان خوانش دوم. نگارنده طی خوانش اول فقط اثر نقدی را معرفی می‌کند، در مرحله دوم با استفاده از نظرهای ناقدان دیگر اثر نقدی مورد بحث را واکاوی می‌کند و در مرحله آخر باتکیه بر دیدگاه‌های خود آن را به محک نقد می‌کشانند. به همین دلیل، می‌توان گفت که این اثر از لحاظ تحلیل قوی و مقبول است.

برای مثال، نگارنده در مرحله خوانش نخست کتاب *نفسیه‌آبی نواس* نوشته نویهی، پس از آن که چهار فصل کتاب را معرفی می‌کند، به ترتیب دیدگاه‌های نویهی را درباره پیچیدگی درونی ابونواس (فصل اول)، گرایش ابونواس به پسران جوان و ترجیح آنان به زنان (فصل دوم)، سرمستی دینی در ابونواس (فصل سوم)، و تناقض در وجود ابونواس و افراطی‌گری وی در بی‌بندوباری آشکار و پرهیزگاری (فصل چهارم) ارائه می‌دهد (بنگرید به همان: ۱۳۲-۱۳۹). در ادامه در قالب عنوان نقد نقد، نقد حسین مروءه را در مقایسه با کتاب نویهی، به منزله نقد مخالف با رویکرد روان‌شناختی در نقد ادبی، مطرح می‌کند و دیدگاه‌های وی را درباره این کتاب و خطاهایی که به‌زعم وی نویهی در حین بررسی روان‌شناختی اشعار ابونواس دچار آن‌ها شده یک‌برمی‌شمرد. سپس، مصطفی ناصف را در جایگاه ناقد موافق با مطالعه روان‌شناختی در کنار توجه به جنبه‌های زیباشناختی متن معرفی می‌کند و دیدگاه او را درباره کتاب نویهی ارائه می‌دهد (همان: ۱۳۸-۱۴۲) و می‌گوید وی تحلیل نویهی از شخصیت ابونواس را رد می‌کند و بر این باور است که یک اثر ادبی باید بدون در نظر گرفتن شخصیت آفریننده آن بررسی و تحلیل شود (همان: ۱۴۲) و از نویهی می‌خواهد که «همواره به یاد داشته باشد که او در برابر یک اثر هنری است نه در برابر یک تجربه شخصی» (همان: ۱۴۲).

در نهایت، نگارنده در خوانش دوم کتاب نویهی را در دو مرحله بررسی و تحلیل می‌کند؛ در مرحله اول آرای نویهی را در مقایسه با نظریات حسین مروءه و مصطفی ناصف مورد مناقشه قرار می‌دهد و در مرحله دوم دیدگاه خاص خود را درباره شخصیت ابونواس ابراز می‌دارد و تک‌تک ادعاهای نویهی را با تحلیل‌های منطقی و با استناد به کتاب‌های نقدی و ادبی جدید به محک نقد می‌کشانند (قطوس ۲۰۰۴: ۱۴۳-۱۴۹). برای مثال در باب این که ابونواس ارتباط داشتن با پسران جوان را بر ارتباط داشتن با زنان ترجیح می‌داده است، می‌نویسد: «در شعر ابونواس هیچ دلیلی برای اثبات این موضوع وجود ندارد و فراوانی غزل مذکر در شعر ابونواس را به عوامل مختلفی نسبت می‌دهد، از جمله ارتباط فرهنگی میان ایرانیان و عرب‌ها» (همان: ۱۴۷). البته در این بخش جا داشت برای تقویت تحلیل‌ها از کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی مانند *تاریخ الأدب العربی شوقی ضیف، تاریخ*

الأدب العربی عمر فروخ، و تاریخ الأدب العباسی نیکلسون استفاده شود. هم‌چنین، برای غنای تحلیل‌ها بهتر بود نگارنده از مصادر دست اولی هم‌چون أخبار اُبی نواس (ملحق الأغانی) ابوالفرج اصفهانی و طبقات الشعراء ابن‌المعتز بهره گیرد.

۵,۴ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

اصطلاحات روان‌شناسی به کاررفته در این اثر برگردان دقیقی است از اصطلاحات روان‌شناسی رایج در زبان انگلیسی. گفتنی است که در این کتاب، درکنار هر اصطلاح روان‌شناسی عربی، اصطلاح انگلیسی معادل آن ذکر شده است. البته به‌علت فراوانی این اصطلاحات جا داشت که نگارنده در پایان کتاب فرهنگ‌نامه‌ای برای این اصطلاحات تنظیم کند که اصطلاحات انگلیسی و معادل‌های عربی آن را در بر گیرد.

۶,۴ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی

نگارنده در این اثر در تحلیل و نقدهای خود اصول و اخلاق علمی را کاملاً رعایت کرده و بدون جانب‌داری و تعصب ناقدان روان‌شناختی موردبحث و آثار آنان را مورد مناقشه قرار می‌دهد و از به‌کاربردن لحن توهین‌آمیز در نقدهای خود پرهیز می‌کند و می‌کوشد تا با تحلیل علمی صرف و به‌دور از حب و بغض کتاب‌های روان‌شناختی موردنظر خود را واکاوی کند.

۷,۴ هماهنگی اثر با ارزش‌های اسلامی و ایرانی

از آن‌جایی که موضوع این اثر نقد روان‌شناختی است و این موضوع خاستگاهی غربی دارد؛ نمی‌توان آن را از حیث هماهنگی داشتن با ارزش‌های اسلامی و ایرانی ارزیابی کرد.

۸,۴ خلاقیت و نوآوری

این اثر در نحوه بررسی آثار روان‌شناختی ناقدان برجسته مصری خلاقیت و نوآوری دارد، زیرا نگارنده در قالب سه مرحله (خوانش نخست، نقد نقد، و خوانش دوم) این آثار را تحلیل و بررسی می‌کند و تاجایی که بررسی کرده‌ایم چنین روشی در کتاب‌های نقد روان‌شناختی به‌کار نرفته است.

۹,۴ استفاده از منابع معتبر و داده‌های روزآمد

این کتاب منابع روان‌شناختی و نقدی فراوانی دارد. در بخش منابع عربی فهرست مراجع و مآخذ ۵۹ عنوان، در بخش منابع خارجی ترجمه‌شده ۲۲ عنوان، در بخش منابع خارجی ترجمه‌نشده ۶ عنوان، و در قسمت مجلات ۴ عنوان به چشم می‌خورد. اما اشکالی که در این اثر از لحاظ منابع به چشم می‌خورد این است که با وجود این که سال چاپش به سال ۲۰۰۴ برمی‌گردد، اما نگارنده به منابع دهه بیست تا هشتاد اکتفا کرده و در نقد و بررسی‌های خود از آثاری که در دهه نود و قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم در زمینه نقد روان‌شناختی نگاشته شده اصلاً استفاده نکرده است.

۵. ارزیابی نهایی کتاب

۱,۵ نقاط قوت

۱. بهره‌مند بودن از پیش‌گفتار جامع و کاملی که ابتدا به بیان مفهوم و کیفیت پیدایش نقد روان‌شناختی می‌پردازد. سپس، از روان‌شناسانی که این نوع نقد را پایه‌گذاری کرده‌اند، سخن به میان می‌آورد و در نهایت به‌طور اجمالی در ابتدا مروری دارد بر جایگاه نقد روان‌شناختی نزد ناقدان غربی در کشورهای انگلستان، فرانسه، و آمریکا و در ادامه به جایگاه نقد روان‌شناختی در مصر می‌پردازد؛
۲. رعایت نظم منطقی در چینش فصل‌ها و بخش‌ها و برخورداری از انسجام و هماهنگی در تنظیم مطالب کتاب؛
۳. جامعیت کتاب در بیان مطالب نظری مربوط به نقد روان‌شناختی و ارائه کلیات مناسبی درباره انواع موضع‌گیری‌های ناقدان مصری در برابر نقد روان‌شناختی و بررسی و نقد سه‌مرحله‌ای کتاب‌های منتخب در قالب خوانش اولیه، خوانش ثانویه، و دیدگاه پژوهش‌گر؛
۴. روان و رسا بودن عبارات و جملات کتاب؛
۵. ذکر معادل‌های انگلیسی برای اغلب اصطلاحات روان‌شناسی به‌کاررفته در متن کتاب؛
۶. رعایت قواعد ویرایش و دقت در کاربست علائم سجاوندی؛
۷. استفاده از مراجع و مآخذ فراوان عربی و بهره‌مندی از منابع خارجی ترجمه‌شده و ترجمه‌نشده و استناد به برخی از مجلات عربی؛

۸. در این اثر در نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم امانت‌داری کاملاً رعایت شده و تمام تلخیص‌ها و دخل و تصرف‌هایی که نگارنده در متن‌های اقتباسی خود اعمال کرده در پانویس‌ها با استفاده از «أنظر و بتصرف» مشخص شده‌اند.

۲,۵ معایب کتاب

بدیهی است که هر کتابی در کنار نقاط قوت خود معایب و نقاط ضعفی دارد. البته این کتاب در مقایسه با جنبه‌های مثبت آن کاستی‌ها و نواقص اندکی دارد:

۱. همان‌طور که در قسمت میزان استحکام تحلیل‌ها در اثر اشاره شد، در فصل سوم در مبحث مربوط به نقد کتاب *نفسیه ابی نواس* در تحلیل‌ها از کتاب‌های تاریخ ادبیات عربی مانند: *تاریخ الأدب العربی شوقی ضیف*، *تاریخ الأدب العربی عمر فروخ*، و *تاریخ الأدب العباسی نیکلسون* و مصادر دست اولی هم‌چون *أخبار ابی نواس* (ملحق الأغانی) ابوفرج اصفهانی و *طبقات الشعراء* ابن‌المعز استفاده نشده است؛

۲. در فصل سوم در قسمت مطالعه موردی شیوه نقدی سه تن از ناقدان مصری (محمد نویهی، عباس محمود العقاد، و عزالدین اسماعیل)، نگارنده به‌طور خلاصه شیوه نقدی دو تن از ناقدان را بررسی کرده، اما درباره پژوهش سوم یعنی کتاب عزالدین اسماعیل، که نمونه‌هایی از اشعار، نمایش‌نامه‌ها، و رمان‌ها را به‌شیوه نقد روان‌شناختی واکاوی کرده، تمام موضوعات کتاب حتی اجمالی نیز بررسی نشده‌اند، بلکه به یک نمونه از اشعار، نمایش‌نامه‌ها، و رمان‌ها اکتفا می‌شود، به‌طوری‌که خواننده از دیگر نمونه‌های کتاب بی‌اطلاع می‌ماند و نمی‌تواند یک تصویر کلی از کتاب در ذهن خود ترسیم کند؛

۳. همان‌طور که در قسمت رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی مفصل تبیین شد، نگارنده در نحوه ارجاع‌دهی و تنظیم پانویس اصول متعارف و رایج در تنظیم کتاب را رعایت نکرده و شیوه قدیمی ارجاع‌دهی در پایان‌نامه‌ها را اتخاذ کرده، در ضمن در همین شیوه نیز از روی سهو دچار اشتباهاتی شده است؛

۴. باتوجه به فراوانی اصطلاحات روان‌شناسی در این کتاب، جا داشت که نگارنده در پایان کتاب فرهنگ‌نامه عربی - انگلیسی برای این اصطلاحات قرار دهد، ولی متأسفانه چنین کاری صورت نگرفته است؛

۵. در صفحه ۹۱ وقتی از محمد نویهی سخن می‌راند، به‌جای ذکر تاریخ تولد و وفات این ناقد در داخل پرانتز علامت سؤال قرار می‌دهد؛

۶. در صفحه ۹۹ اشتباه در شماره‌گذاری عنوان به چشم می‌خورد؛ زیرا پس از آن که در صفحات پیشین در ذیل شماره ۱ و شماره ۲ شوقی ضیف و سیدقطب ناقدانی مطرح می‌شوند که موضع‌گیری معتدلی به علم روان‌شناسی داشته‌اند، به اشتباه دوباره در ذیل شماره ۲ ماهر حسن فهمی ناقد سوم مطرح می‌شود.

۳,۵ تبیین کاربردهای اثر باتوجه به اهداف تألیف کتاب

با بررسی کتاب *المنهج النفسی فی النقد الأدبی الحدیث؛ النقاد المصریون نموذجاً* به این نتیجه رسیدیم که این کتاب باتوجه به جامعیت مطالب نظری مربوط به نقد روان‌شناختی و ارائه کلیات مناسب درباره انواع موضع‌گیری‌های ناقدان مصری در برابر نقد روان‌شناختی و بررسی و نقد سه مرحله‌ای کتاب‌های منتخب در قالب خوانش اولیه، خوانش ثانویه، و اظهارنظر نهایی نگارنده نوآوری خاصی دارد و اطلاعات بسیار مفیدی را در اختیار علاقه‌مندان به حوزه نقد روان‌شناختی قرار می‌دهد و می‌تواند نمونه‌های تطبیقی خوبی در زمینه نقد روان‌شناسانه را به پژوهش‌گران و به‌ویژه دانشجویان زبان و ادبیات عربی ارائه دهد.

۴,۵ پیش‌نهادهای

به منظور اصلاح و تکمیل مباحث کتاب موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. در فصل سوم در قسمت مطالعه موردی شیوه نقدی سه تن از ناقدان مصری، درباره عزالدین اسماعیل حتی به طور اجمالی تمام موضوعات کتاب بررسی نشده بود و به یک نمونه از اشعار، نمایش‌نامه‌ها، و رمان‌ها اکتفا شده است (بنگرید به قطوس ۲۰۰۴: ۱۵۷-۱۷۳). پیشنهاد می‌شود موضوعات کلی کتاب مطرح و نمونه‌های دیگری از کتاب بررسی شود تا خواننده بتواند تصویری کلی از کتاب در ذهن خود ترسیم کند؛
۲. پیشنهاد می‌شود که نگارنده در نحوه ارجاع‌دهی و تنظیم پانوشت‌ها اصول متعارف و رایج در تنظیم کتاب را رعایت کند و خطاهای پانوشت‌ها را اصلاح کند؛
۳. باتوجه به فراوانی اصطلاحات روان‌شناسی پیشنهاد می‌شود که نگارنده در پایان کتاب فرهنگ‌نامه‌ای عربی-انگلیسی برای این اصطلاحات قرار دهد؛
۴. در صفحه ۹۱ وقتی از محمد نویسی صحبت می‌کند، در داخل پرانتز به جای علامت سؤال تاریخ تولد و وفات این ناقد قرار داده شود؛

۵. در صفحه ۹۹ اشتباه در شماره گذاری عنوان به چشم می خورد، زیرا پس از آن که در صفحات پیشین در ذیل شماره ۱ و شماره ۲ شوقی ضیف و سیدقطب ناقدانی مطرح می شوند که در برابر علم روان شناسی موضع گیری معتدل داشته اند، به اشتباه دوباره در ذیل شماره ۲ ماهر حسن فهمی ناقد سوم مطرح می شود.

۶. نتیجه گیری

با بررسی کتاب المنهج النفسی فی النقد الأدبی الحديث؛ النقاد المصربون نمودجاً به این نتیجه رسیدیم که این کتاب با توجه به جامعیت مطالب نظری مربوط به نقد روان شناختی و ارائه کلیات مناسب درباره انواع موضع گیری های ناقدان مصری در برابر نقد روان شناختی و بررسی و نقد سه مرحله ای کتاب های منتخب در قالب خوانش اولیه، خوانش ثانویه، و اظهار نظر نهایی نگارنده، نوآوری خاصی دارد و اطلاعات بسیار مفیدی را در اختیار علاقه مندان حوزه نقد روان شناختی قرار می دهد و می تواند نمونه های تطبیقی خوبی را در زمینه نقد روان شناسانه در اختیار پژوهش گران و به ویژه دانشجویان زبان و ادبیات عربی قرار دهد.

کتاب نامه

- آریان پور، امیرحسین (۱۳۵۷)، *فرویدیسیم با اشاراتی به ادبیات و عرفان*، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی با همکاری انتشارات امیرکبیر.
- حسین، مسلم حسب (۲۰۰۷)، *جمالیات النص الأدبیه دراسات فی البنیة والدلالة*، لندن: دارالسیاب.
- رجائی، نجمه (۱۳۷۸)، *آشنایی با نقد ادبی معاصر عربی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱)، *نقد ادبی جلد دوم، جست و جوی در اصول و روش ها و مباحث نقدی با بررسی در تاریخ نقد و ناقدان*، تهران: امیرکبیر.
- شولتز، دوان (۱۳۸۳)، *نظریه های شخصیت*، ترجمه یوسف کریمی، فرهاد جمهری، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، و محمدرضا نیکخو، تهران: ارسباران.
- قطوس، بسام (۲۰۰۴)، *المنهج النفسی فی النقد الحديث - النقاد المصربون نمودجاً*، الكويت: مجلس النشر العلمی؛ لجنة التألیف والتعريب والنشر.
- گرین، کیت و جیل لبیهان (۱۳۸۳)، *درس نامه نظریه و نقد ادبی*، تهران: روزگار.
- گورین، ویلفرد. ال. و دیگران (۱۳۷۶)، *راهنمای رویکردهای ادبی*، تهران: اطلاعات.
- مختاری، زین الدین (۱۹۹۸)، *المدخل إلی نظریة النقد النفسی، سیکولوجیة الصورة الشعریة فی نقد العقاد (نمودجاً)*، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- موران، برنا (۱۳۸۹)، *نظریه های ادبیات و نقد*، ترجمه ناصر داوران، تهران: نگاه.

